

۱	مقدمه - تمهیدات تربیتی.....
۲	تمهیدات ایجابی و منفی.....
۲	عناوین عامه در تمهیدات تربیتی.....
۳	تطبیق عناوین عامه بر ممه‌دات تربیتی.....
۳	تأثیر عناوین خاصه در تمهیدات تربیتی.....
۵	دقت‌های علمی و موضوعی در تمهیدات تربیتی.....
۵	وجوب در تمهیدات تربیتی.....
۶	عناوین عامه تمهیدات تربیت منفی.....
۶	۱. اعانه بر اثم.....
۷	۲. ترویج باطل و ضلال.....
۷	۳. تسنن سن باطله.....
۸	مخاطب در تمهیدات تربیتی.....
۸	زمینه‌سازی در تمهیدات تربیتی.....

## مقدمه - تمهیدات تربیتی

ما به مناسبت بحث نام‌گذاری در حقیقت به یک بحث عامی در باب ممه‌دات تربیت، مرتبط شدیم. در باب ممه‌دات تربیت تعریف کردیم و تقسیمات و انواع آن را با زاویه دیدهای مختلف ذکر کردیم.

## تمهیدات ایجابی و منفی

به اینجا رسیدیم که تمهیدات تربیت مثبت و تمهیدات تربیت منفی، چه هست و هر یک از این‌ها تمهیدات تربیت مثبت با عناوین خاصه و اولیه و یا با عناوین عامه و ثانویه، در تربیت منفی هم همینطور عناوین خاصه و عناوین عامه داریم. گفتیم که امر هم یک امر مهمی در نظام تربیتی اسلام است برخی از تمهیدات تربیتی مثبت و همینطور تربیت منفی در روایات به طور خاص انگشت بر آن گذاشته شده و ذکر شده‌اند ولی بخشی از فعالیت‌ها و تمهیدات تربیتی هم هست که عنوان خاصی ندارد ما یک عناوین کلی داریم که بر اساس آن عناوین کلی اقداماتی که مؤثر در تربیت است و زمینه‌سازیهایی که در قلمروهای مختلف انجام می‌شود و در جهت‌گیری درست شخصیت فرد تأثیر دارد.

## عناوین عامه در تمهیدات تربیتی

در اینجا ما گفتیم بر اساس این عناوین ثانویه، یک عناوین عامه‌ای داریم که می‌تواند، قاعده‌ای شود و ما را به سمت تمهید مقدمات و زمینه‌سازی هدایت کند. این عناوین به همین شکلی که اشاره کردیم، اعانه بر برّ و تقوی و خود احسان و برّ «مَنْ سَنَّ سُنَّةَ حَسَنَةٍ» یا «مَنْ سَنَّ سُنَّةَ سَيِّئَةٍ» که عرض می‌کنیم. یا نصیح مؤمنین و یا خود اصل ترغیب و تبشیر به نیکی‌ها یا وقایه در یک دائره محدودتر، این‌ها مجموعه‌ای از عناوین و حکم عقلی بر حسن تهیه مقدمات اطاعت است. این‌ها یک سری عناوینی بود احسان و بر اعانه بر برّ، نصیح، تسنن سنن حسنه، ترغیب به خیر و نیکی و معروف خود این‌ها کمی اخص می‌شود مثل وقایه، اینکه کسانی را هدایت کند این هدایت یکی از راه‌های تمهید است یک حکم عقلی هم حسن تهیه مقدمات اطاعت است که این را حضرت امام در مکاسب محرمه در بحث قاعده اعانه بر اثم این را آورده‌اند اصل اینکه تهیه مقدمات اطاعت خدا برای اینکه دیگران خدا را اطاعت کنند این رجحان دارد و تردیدی در آن نیست.

این مجموعه عناوینی است که کبروی آن راجع به بعضی از این‌ها ما بحث کردیم و بعضی هم واضح است ولی غالباً ما هر یک از این‌ها را یا در مکاسب محرمه یا بحث‌های گذشته راجع به این قواعد و کبریات بحثی کردیم. البته همه این

قواعد همان ترغیب در حد استحباب و ندب است و وجوب نیست. همه مهم است ولی در حد استحباب است. جز هدایتش که بعد توضیح می‌دهیم. عمده این‌ها چه حکم عقلی که آخری باشد، چه بقیه که عناوین ویژه شرعی و خاص در روایات دارد، کبریات همه مسلم است. دلالتش هم در حد استحباب و ندب است.

### تطبیق عناوین عامه بر ممهدهات تربیتی

اما تطبیق این‌ها بر ممهدهات تربیتی یک کار کارشناسی است. یعنی باید علم و دانش و تجربه انسان بگوید که این اقدام مثلا در معماری یا در مدیریت نهادها و تشکیلات یا در شهرسازی یا در ساخت اسباب بازی‌ها یا در ترویج ساخت نوع و مد لباس، و همه این‌ها، هر جایی که کارشناسی بگوید که این موجب توسعه بر و تقوی می‌شود و موجب این می‌شود که سعادتمند فرد تأمین شود، این می‌شود برّ به او، یا موجب این می‌شود که اطاعت محقق شود و سنتی است که موجب رفتن افراد به سمت نیکی‌ها و خیرات می‌شود. آن وقت این قواعد، بر آن منطبق می‌شود. بنابراین یک بحث کبروی راجع به این قواعد داریم. ما وارد این بحث کبروی نمی‌شویم. غالبا در جاهای دیگر در فقه‌التربیه یا مکاسب محرمة بحث کردیم. حد دلالتش هم در همه کبریات استحباب و ندب است. این کبرویات.

صغرویات هم باید با تجربه و کارشناسی علمی ثابت شود. که این، در گسترش اطاعت یا هدایت فرد یا در سعادت او مؤثر است. این دو باید احراز شود. صغروی، کار خود مکلف است؛ بر اساس تجربه و کارشناسی و این‌ها. کبروی هم یک قواعدی است که مصداق پیدا می‌کند. این بحثی است که قبلا گفته بودیم و جمع بندی آن این بود.

### تأثیر عناوین خاصه در تمهیدات تربیتی

پس آن عناوین خاصه خودش مورد به مورد می‌گوید که مثلا عقیقه کن، اسم بگذار. به خود این‌عنوان‌ها به طور خاص اشاره شده. اما خیلی از اقدامات تربیتی است که به عنوان خاص نیامده که اسباب بازی را این‌طور بساز یا مد لباس را این‌طور درست کن یا خیلی کم آمده. ولی می‌دانیم که تأثیرات این‌ها، متفاوت است تحول هم پیدا می‌کند. فقط ما یک دستورالعمل‌ها و قواعد عامه و کلی داریم که به آن، تشخیص موضوعی ممکن است چیزهایی رجحان و ندب پیدا کند.

هر وقت هم دید این تأثیر را ندارد، رجحان برداشته می‌شود. آن وقت کارشناسی‌های موردی و این‌ها خیلی مؤثر است تفاوت دیدی افراد، روی این کارشناسی مؤثر است زمان هم خیلی مؤثر است. سخت‌گیری و عدم سخت‌گیری یک سری چیزهایی است که علما با هم فرق داشتند. یک مقدار بر می‌گردد به نگاه‌های کارشناسی. این نوع عملیات در جذب و هدایت مردم نقش مثبت دارد؟ یا نقش منفی؟ یا اینکه رادیو تلویزیون زیاد منبر و سخنرانی و روضه بگذارد؟ یا کم بگذارد؟ یا آموزش و پرورش چه مقدار تمرکز داشته باشد، برای اینکه آموزش‌های دینی دهد؟ بخش زیادی از این‌ها بر می‌گردد به بحث‌های کارشناسی. یک وقتی می‌گوید کثرت و تنوع و انبوه این تأثیر مثبت را دارد. برای اینکه فضا سازی کند، می‌گوید که همه این عناوین بر آن صدق می‌کند و خوب است. ولی یک وقتی همه این‌ها در یک شرائطی یا به طور کلی نتیجه معکوس دارد. می‌گوید حتی کمش کن. این‌ها بحث‌های کارشناسی است و سیره‌های علما که تفاوت دارد، به این‌ها بر می‌گردد. بعضی از اختلافات سلیقه‌ای، در روش‌ها و شیوه‌هاست، نه در کلیات و این‌ها، که ممکن است جریان‌های فکری باشد. گاهی بعضی از چیزها، آن‌هایی که پای‌بند و معتقد و متدین هستند، گاهی تفاوت‌ها بر می‌گردد به همین کار موضوعی و کارشناسی، من این را سابق بحث کردم. عین این قصه را در تراحمات عرض کردم. گفتیم در چیزهای اجتماعی یکی این است که کدام کار ممهد است و زمینه‌ساز برای خیر و سعادت است. ممکن است یک کار یک زمانی ممهد باشد و یک وقتی نتیجه معکوس دهد. یا دیده‌ها نسبت به او متفاوت باشد. بر اساس کارشناسی‌هایی که شده، این یکی است. یک اختلاف روش‌های علما و این‌ها، بر می‌گردد به تراحم عناوین. مثلاً در زمان انقلاب، امام و آقای گلپایگانی که هر دو آدم‌های متدین بودند ولی امام تشخیصش این بود که دسترسی به یک هدف بزرگ‌تری میسر است و برای آن اگر نظام اجتماعی هم، به هم بریزد، مانعی ندارد. اهم و مهم که می‌کند، می‌بیند چیز مهم‌تری است و دو نفر فقیه اهم و مهم را به لحاظ کبروی قبول دارند. ولی اینکه این مهم است و با این اقدام به آن می‌رسیم، آن می‌گوید نمی‌شود، یکی می‌گوید می‌شود به آن برسیم. گاهی در کبریاتش اختلاف است و خیلی وقت‌ها در تشخیص‌های موضوعی صغرویه، در بحث‌های تربیتی و این‌ها هم همین‌طور است. در آموزش و پرورش، این قواعد به ما می‌گوید ترغیب و هدایت کنید و زمینه‌های اطاعت را فراهم کنید. اما اینکه ما هفته‌ای ده برنامه برای او بگذاریم این

زمینه‌ساز هدایت او است یا اینکه کثرت این، بازتاب منفی دارد، این تشخیص کارشناسی است. ممکن است یکی اینطور بگوید یکی آنطور بگوید.

## دقت‌های علمی و موضوعی در تمهیدات تربیتی

اینجا دیگر جای فقه به معنای کبروی نیست. جای کارشناسی و علم و تجربه است و جای دقت‌های علمی و موضوعی است. این را ما در جاهای مختلف گفتیم. اینجا هم عرض می‌کنیم. با ملاحظه کلیت این عناوین، می‌دانیم که شارع ترغیب مؤکدی به این دارد که شما زمینه‌های رشد و هدایت افراد را در جامعه به سمت نیکی‌ها و خیرات و شریعت فراهم کنید، اما این ممه‌دات چیست؟ غیر از ممه‌دات معین شده در شرع، ممه‌داتی که ما عقلایی می‌خواهیم انتخاب کنیم برای رواج این، مثلاً زمانی اسباب بازی و این‌ها نبوده ولی الان روی اسباب بازی خیلی می‌شود کار کرد؛ و همچنین در داستان و رمان و فیلم و همه این‌ها، خیلی می‌شود کار کرد. اما در حجم و حد و کیفیتش. ممکن است یک وقتی ممه‌د باشد. یک وقتی نتیجه معکوس داشته باشد و زدگی ایجاد کند. این‌ها جایی است که باید کارشناسی شود. در این ممه‌دات خاص، جایی است که خود شرع عنوان‌ها را تعیین کرده ولی در ممه‌دات عام به عناوین عامه جای علم و تحقیق و کارشناسی است. این‌ها در حد استحباب است.

## وجوب در تمهیدات تربیتی

نکته‌ای که اینجا باید بگوییم این است که وجوب در این‌ها نداریم. مگر جایی که اگر آن را انجام ندهد شخص مبتلای به ضلالت می‌شود یعنی مطمئن است که با آن عمل، او گمراه می‌شود و در معاصی قرار می‌گیرد. این، از باب دفع منکر، ممکن است بگوییم واجب است. مثلاً اگر او اینطور خانه را تنظیم کند، در گمراهی قرار نمی‌گیرند. نه اینکه هدایت بیشتر می‌شوند به حیثی که اگر انجام ندهد، این‌ها گمراه می‌شوند. یعنی در گناه و معصیت قرار می‌گیرند. این ممکن است بگوییم از باب دفع منکر و دفع ضلالت، واجب است. همه این‌ها استحباب را می‌رساند جز آن تمهیداتی که اگر انجام نشود مطمئن است که این اشخاص در ضلالت و معصیت قرار می‌گیرند. نهی از منکر واجب است. بنابر یک نظری

مثل آقای تبریزی دفع منکر هم واجب است. دفع منکر، یعنی کاری کند که این شخص در منکر قرار نگیرد و به سمت آن نرود. اگر کسی دفع منکر را واجب بداند و معلوم باشد که با این اقدام این منکر دیگر محقق نمی‌شود، اگر کسی این را بپذیرد که کبروی این، یک مقدار بحث دارد، این فقط در این شکلش ممکن است ما واجبی داشته باشیم. بقیه عناوین در حد استحباب است. این یک مورد است که اینکه هدایت گفتم، برای اینکه گاهی هدایت در حد این است که اگر انجام ندهد، در منکر قرار می‌گیرد؛ و در باب وقایه هم در تربیت خانوادگی، یک مراتبش گاهی واجب می‌شد که خیلی بحث کردیم. بنابراین در یک شرایط ویژه‌ای ممکن است این تمهیدات و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی اقتصادی سیاسی مدیریتی و معماری و امثال این‌ها، واجب شود. برای جایی که می‌داند اگر انجام ندهد، در منکر واقع می‌شود. منتهی باید مطمئن شود که اگر این نشود، حتماً منکر واقع می‌شود. در طرف تمهیدات تربیت منفی هم گفتیم عناوین خاصه‌ای وجود دارد. مثلاً با اجنبیه خلوت نکند.

## عناوین عامه تمهیدات تربیت منفی

عناوین عامه‌ای هم در تمهیدات تربیت منفی داریم که بعضی را من اشاره می‌کنم:

### ۱. اعانه بر اثم

یکی همین اعانه بر اثم است اعانه بر اثم قطعاً مذمومیت دارد اما اینکه حرام باشد محل اختلاف است. در مکاسب محرمة یک ماه راجع به این بحث کردیم ما قائل به حرمت شدید بر خلاف آقای خوئی و این‌ها که قائل به حرمت نبودند ما قائل به حرمت شدید. آقای خوئی و تبریزی و این‌ها اعانه بر اثم را حرام نمی‌دانند بلکه تعاون بر اثم را حرام می‌دانند. اما حضرت امام و این‌ها حرام می‌دانستند. ما هم با استدلال‌ات و بحث‌های پیچیده و گسترده دو ماهه گفتیم حرام است. حتی آن هم که حرام نداند باید کراهتش را بپذیرد. این یک عنوان عام است که اگر اقداماتی انجام می‌گیرد که زمینه ارتکاب حرام و تربیت فاسد را ایجاد می‌کند، همین زمینه‌سازی است و این زمینه‌سازی نوعی اعانه است. اینکه مثلاً نوعی داستان می‌نویسد یا فیلم می‌سازد یا معماری می‌کند یا اسباب‌بازی را تولید می‌کند که فرد را به سمت

گناه می‌برد، اگر مطمئن باشد، البته با قواعدی که در باب اعانه بر اثم گفتیم. باید مطمئن باشد که این فعل او به آنجا منتهی می‌شود و موجب می‌شود که او به آن سمت برود. گفتیم اعانه غیر از مقدمه است. مقدمه در فعل خود شخص است. اعانه برای دیگری است. اعانه بر اثم می‌تواند یک عنوان عامی باشد که شامل ممه‌دات منفی شود. آن رفتارها و برنامه‌هایی که جامعه یا اشخاص یا افراد را به سمت گناه و آلودگی می‌برد یا به سمت عدوان ظلم و اثم می‌برد. این یک عنوانی است که می‌تواند در منع از ممه‌دات تربیتی مؤثر باشد. گرچه از لحاظ کبروی محل اختلاف است اما از نظر کسانی که آن را حرام می‌دانند، اعانه بر اثم، طبعاً این می‌تواند به عنوان یک دلیل و عنوان کلی قرار بگیرد.

## ۲. ترویج باطل و ضلال

از عناوین دیگر، ترویج باطل و ضلال است این از مسائلی است که در روایات هم به آن اشاره شده و مورد منع قرار گرفته که اگر جایی اقدامی کند، که رواج ضلال در او باشد و اشاعه یک گناه و معصیت و ضلال باشد، ترویج ضلال ترویج باطل و اشاعه فحشا باشد، اشاعه فحشا خودش هم عنوان مستقلی دارد. این‌ها هم اگر خیلی از اقدامات ممه‌دات تربیت منفی مصداق ترویج باطل و ترویج ضلال است یا اشاعه فحشاء است. آن‌ها هم عناوین کلی است که خیلی از ممه‌دات منفی تربیتی را می‌تواند شامل شود.

## ۳. تسنین سن باطله

همینطور عنوان دیگر تسنین سن باطله و سنن سیئه «مَنْ سَنَّ سَنَةً سَيِّئَةً» و له وزر من عمل بها الی یوم القيامة، این روایات را ما مفصل بحث کردیم گفتیم من سن سنة حسنة هم واجبات را می‌گیرد هم مستحبات را، ولی «مَنْ سَنَّ سَنَةً سَيِّئَةً» فقط محرّمات را می‌گیرد

نکته دیگر هم این بود که تسنین سنت سیئه و حسنه دو نوع است:

- یکی همان امر واجب و محرم را توسعه می‌دهد

- یکی اینکه کاری می‌کند که خود آن واجب یا محرم نیست، ولی فضایی را ایجاد می‌کند که یک امر محرم یا مستحسن رواج پیدا کند.

این هم دو نوعی بود که توضیحش را سابق دادیم و جلسه قبل هم عرض کردیم این‌ها، بعضی از عناوین عامه‌ای است که اعانه ممه‌دات منفی را در حقیقت نکوهش می‌کند.

ملاحظه می‌کنید که این عناوین عناوینی است که در حقیقت احکام تحریمی در آن است الزامی است بر خلاف عناوین ممه‌ده تربیت مثبت که عمدتاً عناوین رجحانی و ندبی بود. الا یکی دو مورد که به حد وجوب می‌رسید. همه عناوینی که روی ترک محرمات و اینها می‌آید ربط پیدا می‌کند توسعه و عدم توسعه همه محرمات روی تربیت مؤثر است این عناوین عناوین واضح و برجسته‌تر است. ما تا اینجا در میانه یک بحث به یک موضوع بسیار مهم و کلان پرداختیم که خودش در حد بحث مستقلی است و خیلی هم مهم است که تمهیدات تربیتی است.

## مخاطب در تمهیدات تربیتی

نکته دیگر در باب تمهیدات این است که مخاطب این تمهیدات همه هستند. هم مردم هستند و هم حاکم است. هر کسی بر حسب وسع و امکاناتی که دارد، مخاطب عناوین ممه‌ده چه مثبت چه منفی، در حد الزام هست یا ندب، هم حاکم و هم خانواده و جامعه و علما را می‌گیرد. همه سه چهار گروه اصلی در عوامل تربیتی که قبلاً هم محور بحث ما بود الان هم بر اساس همان جلو می‌رویم طبعاً مخاطب به این خطابات عمومی در ممه‌دات عمومی هستند.

## زمینه‌سازی در تمهیدات تربیتی

اگر مطمئن است که با این، گناه واقع می‌شود، این اعانه بر اثم است. ولی اگر احتمال دهد اعانه بر اثم نیست، طبق نظر کسانی که اعانه بر اثم را حرام بدانند اما کسی حرام نداند مطمئن هم باشد حرام نیست. اگر ما بگوییم که کسی اعانه بر اثم را حرام نمی‌داند یا اینکه مطمئن نیستیم به آنجا منجر می‌شود که مصداق بحث اعانه نیست، این کار او هم ضلالی را



ترویج نمی‌دهد سنت سیئه‌ای هم به آن معنا نیست که حرامی در آن باشد ولی با فرهنگ اسلامی این، سازگاری ندارد. نه اینکه الزاما در این، حرام محقق شود. مثلا این که عملا نوعی اختلاط را زمینه‌سازی می‌کند، بدون اینکه در آن محرم باشد یا اطمینانی به امر محرم باشد، شاید هیچ وقت هم محرمی واقع نشود ولی عملا به سمتی می‌برد که با آن چیز کلی، فرهنگ اسلامی جور نیست. ما چه عنوانی فقهی می‌توانیم برایش پیدا کنیم؟ که بگوییم این حداقل، مکروه است. آن طرفش مستحب است یعنی هر کاری کند که زمینه تحقق واجبات و مستحبات شود و فرهنگ اسلامی محقق شود و مؤثر باشد در اینکه آن فرهنگ دینی و واجبات و محرمات رواج پیدا کند، مردم به آن سمت جذب شوند، عمل به آن‌ها آسان‌تر شود، آن، روی عناوین کلی مستحب است، در کودک و بزرگسال و در همه زمان‌ها. اما اقداماتی که اینطور هم نیست که حرام باشد، ولی با فرهنگ دینی و برای عمل به واجبات و محرمات کار را سخت می‌کند. یعنی این نظام مدیریتی و معماری و شهرسازی و نظام آموزش و پرورش طوری تنظیم شده که نه اینکه الزاما در این منکر باشد، ولی عمل به واجبات و این‌ها ضعیف می‌شود یا سخت می‌شود، این اعانه بر اثم نیست. ترویج ضلال نیست. ولی در یک سطح دیگری، این نوعی دور کردن از فرهنگ اسلامی هست. بدون اینکه الزاما با آن ملازمه داشته باشد. باید یک عناوین و قواعد روشن فقهی پیدا کنیم که بگوییم این مکروه است. تنها چیزی که به ذهن می‌آید، حسن تهیه مقدمات اطاعت و قبح تهیه مقدمات معصیت است. عقل، این را حکم می‌کند. یکی هم تسبیب است. یک مواردی از اقدام ممکن است به حد تسبیب برسد. که این‌ها هم جزء محرمات می‌شود. یکی حرمت تسبیب به محرم و یکی هم قبح تهیه مقدمات معصیت است. اما در بحث خودمان، یکی از چیزهایی که می‌شود گفت، این است که عقل می‌گوید یک قبح در حد مکروه اینجا وجود دارد، که شرائط اجتماعی و مهندسی جامعه طوری انجام شود که زمینه، برای دوری از دین فراهم شود. اگر یقین دارد که با کار او، این کار انجام می‌شود، اعانه بر اثم است. ولی اگر اینطور نیست، به هر حال سخت می‌شود. و رفتن به سمت دین یک جریان آسانی نیست. ولی قسم حضرت عباس بخورد که به منکر و ضلال منجر می‌شود، این ندارد. اینکه ترک واجب، از این، بیرون بیاید یا فعل محرم، اطمینان ندارد. اگر مطمئن باشید که این تکنولوژی به گناه می‌کشاند و اعانه بر اثم را، کسی حرام بداند، آن درست است. ولی بحث ما این است که فرهنگ-سازی‌هایی که کار را آسان می‌کند یا دشوار می‌کند اصلا ما نمی‌توانیم بگوییم که به سمت حرام می‌رود یا نمی‌رود. این

فضاسازی در طرف ایجابی اش مستحب است. و فضاسازی منفی هم آنجایی که مطمئن به حرمت است، آن هم عناوین حرام است. اما در این فضاسازی باید بگوییم که یک حکم عقلی یا مذاق شرعی اینجا وجود دارد. یکی حکم عقلی است یکی هم مذاق شرع است. از مجموعه احادیث و روایات و عناوین و احکام استفاده می‌شود که می‌خواهد یک فضایی باشد که جامعه به سمت خیرات و امور نیک حرکت کند. اگر علم اجمالی حالت شبهه غیر محصوره خیلی وسیع پیدا کند شاید منجر نباشد، اگر جای اطمینان به این هست که کسانی با این کاری که او تنظیم کرده در گناه قرار می‌گیرند، بعید نیست اگر اعانه بر اثم را، مطلق حرام بدانیم. بعضی‌ها که حرام می‌دانند در مقدمات بعیده یا وسیع نمی‌دانستند. ولی ما می‌خواهیم بگوییم جاهایی که این‌ها نیست، کراهتش را از کجا به دست بیاوریم؟ مطلوبیت زمینه-ساز برای رفتن به سمت خوبی‌ها محرز شد. حرام بودن مهادت منفی هم، حرام است در آنجایی که مطمئن است به گناه می‌کشد. اما در مهادتی که فرهنگ‌سازی است، بدون اینکه به گناه برسد، مکروه و ناپسند است. و باید ترکش کرد. این را باید بگوییم. یا حکم عقلی در اینجا وجود دارد یا مذاق شرعی وجود دارد و از این قبیل، ممکن است عناوین دیگری هم پیدا کنیم که اگر چیزی به ذهنمان آمد می‌گوییم. در آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» یک احتمال ضعیف راجع به این می‌دادیم که احتمال ضعیفی بود. فقط این نکته باقی ماند که اگر چیز خاصی بود من عرض می‌کنم.